



این شماره تقدیم می‌شود به

شهید مدافع حرم
حمید سپاهکالیویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۴۳
شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵جبهه
انرژیکاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

آیا ایران، عمان و پاکستان می‌توانند یک بلوک انرژی محور بسازند؟

از مسقط تا مکران

سرمقاله



عربستان مسیرهای جایگزین انتقال انرژی (از جمله تقویت ظرفیت خط لوله شرق به غرب) را توسعه دهند، انگیزه ژئوپلیتیک برای شکل‌گیری یک کریدور سه‌جانبه جدید کاهش می‌یابد. در چنین چارچوبی، مدل واقع‌بینانه همکاری نه از مسیر ایجاد یک بلوک انرژی جدید، بلکه از راه مجموعه‌ای از پروژه‌های مرحله‌ای و کم‌تنش قابل پیگیری است: تجارت فرآورده‌های نفتی، ذخیره‌سازی مشترک، سرمایه‌گذاری مشترک پالایشی، پروژه‌های LNG کوچک‌مقیاس، توسعه ظرفیت‌های ساحلی مکران و اتصال تدریجی زیرساخت‌های انتقال انرژی. منطقی که پشت این مدل نهفته است روشن می‌نماید: «کریدور به جای بلوک» و «وابستگی متقابل به جای تقابل». اگر تهران، مسقط و اسلام‌آباد بتوانند همکاری انرژی را از سایه رقابت‌های امنیتی بیرون بکشند، آنگاه شکل‌گیری یک مثلث ژئواکونومیک آرام اما مؤثر در شمال اقیانوس هند دور از دسترس نخواهد بود؛ مثلی که می‌تواند نه از طریق جنجال سیاسی، بلکه با کارکرد اقتصادی پایدار خود، وزن تازه‌ای در معادلات انرژی منطقه ایجاد کند. ♦

در صنعت پالایش هستند. این روند، از منظر ساختار بازار، برای ایران نیز حامل فرصت‌های مشخصی است: بازاری که به دلیل رشد جمعیت، توسعه صنایع سنگین و چالش‌های تامین برق و گاز، نیازمند تنوع بخشی به منابع انرژی است و می‌تواند بخشی از این نیاز را از مسیر همکاری‌های سه‌جانبه تأمین کند. چنانچه این همکاری از سطح تفاهمات سیاسی عبور کرده و در قالب پروژه‌های عملیاتی شکل گیرد، سه دستاورد کلیدی قابل انتظار است. نخست، کاهش شکنندگی شبکه انرژی پاکستان و ایجاد امنیت عرضه پایدار برای این کشور. دوم، افزایش عمق ژئواکونومیک ایران از طریق فعال‌سازی مسیرهای صادراتی جدید و تقویت نقش آن در معماری انرژی شمال اقیانوس هند. و سوم، ارتقای جایگاه عمان به عنوان بازیگری که تنها میانجی سیاسی نیست، بلکه ظرفیت تبدیل شدن به هاب لجستیکی و انرژی را نیز دارد. در همین زمینه، پروژه خط لوله ایران-عمان با وجود وقفه‌های طولانی مدت، همچنان در معادلات منطقه‌ای به عنوان یک ایده زنده و بازیابی‌شدنی مطرح است؛ ایده‌ای که می‌تواند پیوند‌های سه‌گانه را عملی‌تر کند. با این حال، مسیر چنین همکاری‌ای یک‌دست و هموار نیست. نخستین مانع، جایگاه عمان در شورای همکاری خلیج فارس است. عمان اگرچه سنتاً رویکردی متوازن‌تر نسبت به ایران داشته، اما در نهایت بخشی از ساختار GCC است و این ساختار در موضوعات راهبردی بر اجماع تکیه دارد. این واقعیت، دامنه ابتکار عمل مسقط را محدود کرده و آن را ناچار می‌کند در هر همکاری بزرگ انرژی با ایران، حساسیت‌های ریاض و ابوظبی را نیز در نظر بگیرد.

مانع دوم، پیوند امنیتی عمیق میان پاکستان و عربستان است. توافق‌های دفاعی اخیر میان دو کشور نشان می‌دهد که اسلام‌آباد تمایلی ندارد توسعه همکاری انرژی با ایران به نقطه‌ای برسد که رابطه راهبردی آن با ریاض دچار آسیب شود. به همین دلیل پاکستان از مدل همکاری فنی، محدود و مرحله‌ای استقبال می‌کند، اما نسبت به هر طرحی که رنگ راهبردی یا محوسازی به خود بگیرد، احتیاط خواهد داشت. در کنار این ملاحظات، عوامل فرعی اما اثرگذار دیگری نیز وجود دارد: تحریم‌ها و ریسک‌های مالی مرتبط با آن، محدودیت‌های بیمه و کشتیرانی، و رقابت کریدورهای موازی. هر اندازه بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه

♦ | در جغرافیایی که هنوز «انرژی» مهم‌ترین زبان قدرت، ابزار نفوذ و معیار وزن ژئواکونومیک کشورها به‌شمار می‌رود، شکل‌گیری همکاری‌های تازه میان ایران، عمان و پاکستان می‌تواند فراتر از یک همجواری ساده تعبیر شود. سه کشوری که هرکدام در جایگاه متفاوت اما مکملی قرار دارند: ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ذخیره‌گاه‌های هیدروکربوری جهان، عمان به عنوان حلقه اتصال امن و قابل اعتماد به بازارهای انرژی، و پاکستان به عنوان یک بازار بزرگ و در حال رشد که در کنار آن، به واسطه موقعیت ساحل مکران، یک گره ترانزیتی مهم نیز محسوب می‌شود. برآیند این سه ضلع می‌تواند بنیان یک آرایش ژئواکونومیک تازه را شکل دهد؛ آرایشی که زنجیره «منبع-مسیر-مصرف» را در قالب یک کریدور انرژی قابل اتکا به هم متصل کند.

نشانه‌های مقدماتی این تغییر طی ماه‌های اخیر در قالب گزارش‌ها و رایزنی‌های رسمی میان مسقط و اسلام‌آباد دیده شده است؛ گزارش‌هایی که نشان می‌دهد دو کشور به دنبال توسعه همکاری در بخش انرژی، شامل واردات گاز، پروژه‌های LNG و مشارکت

تحولات ژئوانرژی

ارزیابی خسارات زیرساختی در
هاب‌های پتروشیمی غرب آسیا

مقابلهٔ سرد در برابر چشم

پروپیلن از تأمین‌کنندگان مهم زنجیره مواد اولیه شیمیایی است و مجتمع کمیا وابسته به اکسون موبیل نیز با ظرفیت ۲.۵ میلیون تن در تولید اتیلن، پروپیلن و مشتقات آن فعالیت دارد. علاوه بر الجبیل، گزارش‌هایی از اصابت به هاب‌های پتروشیمی دیگر کشورهای منطقه منتشر شده است. در امارات، بخشی از تأسیسات مجتمع پتروشیمی الرویس هدف قرار گرفته است؛ مجموعه‌ای با ظرفیت ۵ میلیون تن که به عنوان بزرگ‌ترین مجتمع تک‌محلی پلی‌اولفین جهان شناخته می‌شود و حدود ۸۰ درصد از تولید پتروشیمی امارات را در بر می‌گیرد. در اسرائیل نیز شهرک شیمیایی نتوت حوواف با ظرفیت ۸۰۰ هزار تن و دارا بودن ۱۹ واحد صنعتی گزارش آسیب دیده است. در بحرین، مجتمع پتروشیمی سپتیه که تنها تولیدکننده پتروشیمی و کود کشور با ظرفیت ۱.۶ میلیون تن است، در فهرست تأسیسات آسیب‌دیده قرار دارد. همچنین در کویت، مجتمع شعبیه با ظرفیت ۵ تا ۶ میلیون تن که بیش از ۶۰ درصد از صادرات غیرنفتی این کشور را پوشش می‌دهد، در میان تأسیسات مورد اصابت گزارش شده است. مجموع این گزارش‌ها بیانگر تأثیرپذیری بالای زیرساخت‌های پتروشیمی منطقه و اهمیت استراتژیک هاب‌های بزرگ خاورمیانه در تداوم جریان تولید و صادرات محصولات پتروشیمی است. بررسی داده‌های ارائه شده نشان می‌دهد هرگونه اختلال در این هاب‌ها می‌تواند ظرفیت تولیدی منطقه و بخشی از زنجیره جهانی مواد پایه پتروشیمی را تحت تأثیر قرار دهد.

در جریان درگیری‌های اخیر، ایالات متحده حملاتی را به چند واحد یوتیلیتی در هاب‌های پتروشیمی ماهشهر و عسلویه انجام داد؛ واحدهایی که نقش پشتیبان در تأمین آب صنعتی، بخار، برق و خدمات جانبی مجتمع‌های بزرگ پتروشیمی دارند. هدف این حملات ایجاد اختلال در کارکرد شبکه‌های زیرساختی و کاهش توان عملیاتی پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی ایران عنوان شده است. در ادامه این رخدادها، گزارش‌های منتشرشده از سوی منابع رصد ماهواره‌ای از انجام حملات موشکی به چند هاب پتروشیمی توسط ایران در منطقه حکایت دارد که مهم‌ترین آن شهرک پتروشیمی الجبیل در عربستان سعودی است. تصاویر ماهواره‌ای منتشرشده نشان می‌دهد بخشی از تأسیسات این مجموعه دچار آسیب شده‌اند و برخی برآوردها از ایجاد اختلال میان ۳۰ تا ۷۰ درصد در ظرفیت تعدادی از واحدهای مستقر در این هاب خبر می‌دهد. شهرک پتروشیمی الجبیل با ظرفیت تولید سالانه حدود ۶۰ میلیون تن، سهمی نزدیک به ۷ درصد از تولید جهانی پتروشیمی را در اختیار دارد و ارزش دارایی‌های آن ۲۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بنا بر گزارش‌های رسمی، مجتمع‌هایی همچون صدارا، جبیل شورون فیلیپس و کمپا از مجموعه‌هایی هستند که در میان تأسیسات آسیب‌دیده قرار دارند. مجتمع صدارا با ظرفیت بیش از ۳ میلیون تن تولید پلی‌اتیلن و پلی‌پروپیلن، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های شیمیایی یک‌فازی جهان شناخته می‌شود. مجتمع جبیل شورون فیلیپس با ظرفیت یک میلیون تن استایرن مونومر، اتیلن و

خبرخوان

● **جزیره خارک در حال بازگیری ۵ میلیون بشکه نفت**
تانکر ترکرز: جزیره خارک اکنون در حال بازگیری سه نفتکش با مجموعاً ۵ میلیون بشکه نفت خام است.

● **جنگ خلیج فارس به یک برزخ نگران‌کننده تبدیل شده**
اکونومیست نوشت: جنگ متوقف شده، تنگه هرمز بسته شده و چشم‌انداز توافق نامشخص است. ائت‌رامپ دوباره به فشار حداکثری روی آورده. با این تفاوت که این بار فشار اقتصادی را با اسلحه اعمال می‌کند. و ایران هم همین کار را با بقیه جهان انجام می‌دهد. هر دو طرف امیدوارند طرف مقابل را مجبور کنند تا امتیازاتی بدهد که جنگ سوم خلیج فارس را پایان دهد.

● **اینبار نفت ۲۱۰ دلاری در سنگاپور**
ماریو ناوال: قیمت نفت در سنگاپور به ۲۱۰ دلار رسیده؛ قیمت کود سه برابر شده و هزینه خوراک دام یک دامدار از ۱۶۰۰ به ۹۰۰۰ دلار رسیده است.